

رابطه سبک‌های هویت با بهزیستی فضیلت‌طلبانه و لذت‌گرایانه با نقش واسطه‌ای تعهد

عباس رحیمی نژاد^{1*} و محبوبه رحیمی جعفری²

چکیده

رابطه هویت‌یافتگی و سردرگمی با شاخص‌های سلامت روان از موضوعات قابل توجه است. در این پژوهش با هدف بررسی نقش واسطه‌ای تعهد در رابطه بین سبک‌های هویت و بهزیستی فضیلت‌طلبانه و لذت‌گرایانه انجام شد. تعداد 320 نفر از دانشجویان دختر و پسر (با میانگین سنی 20/76 و انحراف معیار 2/16) دانشکده‌های گوناگون دانشگاه تهران بصورت تصادفی مرحله‌ای خوشه‌ای انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌ها از ترجمه فارسی پرسش‌نامه‌های سبک هویت (ISI-4) و مقیاس بهزیستی کیز استفاده شد. با روش آماری تحلیل مسیر مدل پژوهش آزمون شد. نتایج نشان دادند که الگوی فرضی اولیه با داده‌های مشاهده شده برازش مطلوب دارد؛ سبک هویت داده‌ها با بهزیستی فضیلت‌طلبانه رابطه مستقیم و به واسطه تعهد با بهزیستی لذت‌گرایانه و فضیلت‌طلبانه رابطه غیرمستقیم و معنادار دارد؛ سبک هویت هنجاری با بهزیستی لذت‌گرایانه رابطه مستقیم و به واسطه تعهد با بهزیستی لذت‌گرایانه و فضیلت‌طلبانه رابطه غیرمستقیم معنادار دارد؛ سبک هویت سردرگم/اجتنابی با تعهد و بهزیستی فضیلت‌طلبانه رابطه منفی دارد.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های هویت، تعهد، بهزیستی لذت‌گرایانه، بهزیستی فضیلت‌طلبانه

1- دانشیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران.

2- آموزگار دبستان، آموزش و پرورش تهران.

*- نویسنده مسئول مقاله: arahimi@ut.ac.ir

پیشگفتار

موضوع بهزیستی اگرچه از مفاهیم و سازه های دانش روان شناسی بشمار می رود، ولی پیشینه ای به قدمت تاریخ فلسفه یونان قدیم دارد. رایان و دسی (2001) با یک بررسی تاریخی بهزیستی و توجه به دیدگاههای فلسفی بهزیستی از دو سنت نام برده اند. سنت نخست در یک مفهوم وسیع بهزیستی را تحت عنوان لذت گرایی¹ نامیده که شامل لذت و شادکامی است (Kahneman et.al, 1999; qouated by Ryan and Deci, 2001). سنت دوم بهزیستی را فراتر از کسب لذت تلقی کرده و آن را شامل شکوفایی و مورد توجه قرار دادن " دایمون"² یا طبیعت واقعی انسان می داند (Waterman, 1993) در ادامه مفهوم سازی این دو سنت مورد بررسی تاریخی قرار گرفته است.

سنت نخست: آریستوپوس فیلسوف یونانی قرن چهار پیش از میلاد، بر این باور بود که هدف در زندگی، تجربه بیشترین لذت است و این که خوشبختی، مجموع لحظات لذت بخش فرد است. لذت گرایی فلسفی اولیه او بوسیله بسیاری دیگر پیگیری شد. هابز بیان کرد که شادی در پیگیری موفقیت و شهوات انسانی ما نهفته است و دی ساد باور داشت پیگیری احساس و لذت، هدف نهایی زندگی است (Ryan and Deci, 2001). لذت گرایی به عنوان دیدگاهی از بهزیستی در اشکال گوناگون بیان شده است برای مثال، برخی از روان شناسان دامنه لذت گرایی را از لذات جسمانی و آسایش تا لذات عاطفی و شناختی افراد مانند لذت بردن از تعاملات اجتماعی و هنر توصیف کرد (Huta & Ryan, 2010). بسیاری از روان شناسان، آموزه های این سنت را در طراحی پژوهش تجربی، الگوی کار خود قرار دادند. دیدگاه غالب روان شناسان لذت گرا این است که بهزیستی برابر با شادکامی فاعلی و مرتبط با تجربه لذت در برابر ناخشنودی است. بهزیستی فاعلی به منزله ارزیابی عاطفی و شناختی شخص از زندگی خود (Diener, Lucas and Oishi, 2002) شامل سه مولفه اصلی است: رضایت از زندگی، حضور عواطف مثبت و نبود عواطف منفی (Diener, Suh and Oishi, 1998). تا اواخر 1980، پژوهش در مورد بهزیستی، مترادف با بهزیستی لذت گرایانه بود (qouated by Keyes, 2006, Kahneman et.al; 1999)

سنت دوم: فضیلت طلبی³ است؛ با وجود رواج دیدگاه لذت گرایی، بسیاری از فلاسفه، کارشناسان مذهبی و متفکران، شادکامی را فی نفسه به عنوان ملاک اصلی بهزیستی زیر سوال برده اند. برای مثال، ارسطو شادی لذت گرایانه را به عنوان آرمان پستی در نظر می گیرد که ساخته

¹ - Hedonism

² - Daimon

³ - Eudaimonism

انسان‌هایی است که بنده‌وار به دنبال امیالشان هستند؛ در عوض او شادی واقعی را در تجلی فضیلت¹ و تقوا و انجام آنچه ارزش انجام دادن را دارد، می‌داند (Ryan and Deci, 2001). در واقع، هزاران تفسیر از ایده انسان خوب ارسطو وجود دارد (Vitterso, Oelmann and Wang, 2009). برای مثال، نورتون (Norton, 1976; quoted by Kimiecik, 2011) باور داشت، زمانی فضیلت‌طلبی احساس می‌شود که فعالیت‌های کنونی فرد هماهنگ با «دایمون» که خود واقعی اوست باشد. زندگی فضیلت‌طلبانه در تعریف فاهلبرگ و فاهلبرگ (Fahlberg & Fahlberg, 1997 quoted by Kimiecik, 2011) از خوب بودن هماهنگ است که آن را فرایندهای پویای درگیر در رشد، به سوی پتانسیل بزرگتر خود تعریف کرد. نظریه‌های فضیلت‌طلبانه در اصل، از آموزه‌های ارسطو در مورد مفهوم فضیلت‌طلبی بهره می‌گیرند که بر به فعل در آوردن تمامی پتانسیل‌ها در زندگی دلالت دارد (Joshani and Rasteghar, 2007).

بهبودی روان‌شناختی ریف: با الهام از ارسطو، ریف (Ryff, 1989) مدل بهزیستی روان‌شناختی خود را مطرح کرد و اظهار داشت که برخی از جنبه‌های عملکرد مطلوب، متضمن تلاش بسیار است که ممکن است حتی در تعارض کامل با شادکامی کوتاه مدت باشد. بهزیستی در برگیرنده تلاش برای کمال و تحقق نیروهای بالقوه فرد است. بر این اساس وی و همکارانش در توسعه ساختار سلامت روان، بر تجارب فرد و بر شش جنبه از عملکرد روان‌شناختی مرتبط با شکوفایی متمرکز شدند؛ که شامل خودپیروی²، تسلط بر محیط³، رشد فردی⁴، روابط مثبت با دیگران⁵، هدفمندی در زندگی⁶ و پذیرش خود⁷ می‌باشد.

واترمن (Waterman, 1993) خودشکوفایی را مولفه اصلی بهزیستی فضیلت‌طلبانه و آن را عمل کردن به شیوه‌ای هماهنگ با توانایی‌های بالقوه فردی، شامل شناسایی و پرورش بهترین توانایی‌ها، همراه با احساس بیانگر فردی می‌داند و بهزیستی لذت‌گرایانه را پیامد فضیلت‌طلبی می‌داند. اولین تحقیق تجربی در مقایسه بهزیستی لذت‌گرایانه و فضیلت‌طلبانه توسط واترمن (Waterman, 1993) انجام شد.

رایان و دسی (2001): نخستین بار اصطلاح بهزیستی روان‌شناختی و بهزیستی فضیلت‌طلبانه را معادل هم دانستند آن‌ها فضیلت‌طلبی را در داشتن ویژگی‌هایی چون پیگیری اهداف درونی و

1- Virtue

2- Autonomy

3- Mastery

4- Personal Growth

5- Positive Relatedness

6- Life Purpose

7- Self Acceptance

ارزش های ذاتی، انگیزه مستقل؛ رفتار آگاهانه و ارضاء نیازهای بنیادین خودمختاری، شایستگی و ارتباط توصیف می کنند.

مدل جامع سلامت روان: کیز (Keyes, 1998) چنین استدلال کرد که بهزیستی روان شناختی بیش تر نشان دهنده معیارهای فردی و خصوصی برای ارزیابی عملکرد می باشد، در حالی که عملکرد مثبت شامل چالش ها و تکالیف اجتماعی نیز می باشد و بدین ترتیب، بهزیستی اجتماعی را مطرح کرد و ابعاد انسجام اجتماعی¹، تحقق اجتماعی²، یکپارچگی اجتماعی³، پذیرش اجتماعی⁴ و مشارکت اجتماعی⁵ را برای آن برشمرد. کیز مدل جامع سلامت روان خود را براساس ارزیابی از بهزیستی لذت گرایانه یا بهزیستی هیجانی و بهزیستی فضیلت طلبانه (بهزیستی روان شناختی و بهزیستی اجتماعی) قرار داد که مولفه های بهزیستی فاعلی او را تشکیل می دهند (Keyes, 2006)

و با 13 مقیاس شامل رضایت از زندگی و عاطفه ی مثبت، شش بعد بهزیستی روان شناختی و پنج بعد بهزیستی اجتماعی ارزیابی می شود (Keyes, Fredrickson and Park, 2012). وی وجود سلامت روان را به عنوان شکوفایی⁶ و نبود آن را به عنوان پژمردگی⁷ تعریف می کند.

روی هم رفته، می توان گفت رویکرد لذت گرایانه متمرکز بر تعیین حالت مثبت روانی به صورت ذهنی است، درحالی که رویکرد فضیلت طلبانه متمرکز بر تجربه عینی خوب بودن برای فرد است (Kagan, 1992; qouated by Macmahan and Estes, 2011) به مقداری که افراد بهزیستی را در چارچوب لذت گرایی و فضیلت طلبی تعریف می کنند، پیامدهای عملی بزرگی داشته و به احتمال زیاد، رفتار را در چند حوزه کارکرد تحت تاثیر قرار می دهد (Ryan and Deci, 2001). پژوهش ها نشان می دهند که در برخی موارد، رفتار و شناخت شاخص رویکرد لذت گرایانه، ممکن است در عمل مخل بهزیستی باشند. برای مثال، جستجوی شور و احساس، با برخی پیامدهای منفی از جمله سوء مصرف مواد (Zuckerman, 1994; qouated by Macmahan and Estes, 2011, Carrol and Zuckerman, 1977) و رفتار پر خطر (Zuckerman, 2009; qouated by Macmahan and Estes, 2011) مرتبط است. در مقابل، ویژگی های زندگی فضیلت طلبانه، ممکن است نه فقط ارزشی به عنوان راهنما به یک زندگی کامل تر و با معنا باشد بلکه نتیجه آن را هم باید پایدارتر و باثبات تر از شادی لذت گرایانه دانست (Huta and Ryan, 2006; qouated by Ryan et.al, 2008).

1- Coherence

2- Actualization

3- Integration

4- Acceptance

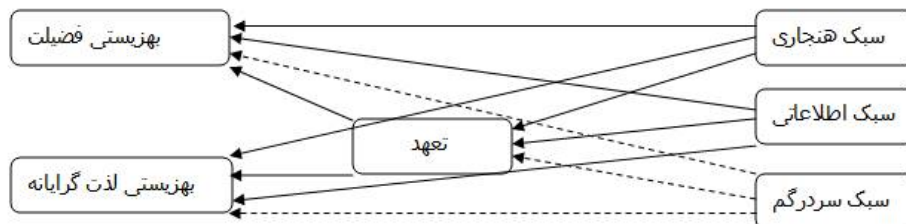
5- Contribution

6- Flourishing

7- Languishing

از جمله عوامل پیش‌بینی‌کننده که ارتباط آن با بهزیستی بررسی شده است، هویت، سبک‌های هویت و تعهد هویت می‌باشد. هر فرد برای تنظیم و کنترل زندگی خود نیاز به توسعه ساختار معنادار و ثابت هویت دارد که او را قادر به حفظ حس پیوستگی در طول زمان و مکان می‌کند و یک چهارچوب مرجع برای تصمیم‌گیری و حل مسئله، تفسیر و تجارب و داده‌های مربوط به خود را فراهم می‌کند. (Duriez and Soenens, 2011, Berzonsky, Cieciuch, 1990) که در فرایند شکل‌گیری هویت، مدل شناختی- اجتماعی را مطرح می‌کند و بر اساس تدبیری که هر فرد برای تعهد یا اجتناب از تکالیف ساخت، نگهداری و یا بازسازی هویت بکار می‌گیرد، سه سبک پردازش هویت اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی/ سردرگم را ارائه می‌دهد. بیش‌تر پژوهش‌ها نشان دهنده ارتباط مثبت بین هویت اطلاعاتی و انواع بهزیستی از جمله؛ بهزیستی روان‌شناختی (Waterman, 2007; Beaumont, 2009; Schwartz et.al, 2011;) Rahiminezhad, Rostami, Seyahposh and Hofer, 2013 (Adibmanesh, 2013 ; Taheri, Yaryari, Sarami and Akbari, 2013) ، بهزیستی فاعلی، رضایت از زندگی (Schwartz and et.al, 2011) و بهزیستی لذت‌گرایانه و فضیلت‌طلبانه (Waterman, 2007) می‌باشد. سبک سردرگم/ اجتنابی نیز در بیش‌تر پژوهش‌های انجام شده رابطه‌ای منفی با بهزیستی روان‌شناختی (Beaumont, 2009; Vleioras and Bosma, 2005; Waterman, 2007; Schwartz et.al, 2013; Taheri et.al, 2013) ، بهزیستی فاعلی، (Taheri et.al, 2013) و لذت‌گرایی و فضیلت طلبی (Waterman, 2007) ، اما در مورد رابطه هویت هنجاری و بهزیستی نتایج کم‌تر همسان می‌باشد. در حالی که برخی پژوهش‌ها نشان دهنده رابطه مثبت سبک هویت هنجاری و بهزیستی روان‌شناختی (Bosma, 2005; Vleioras and Rahiminezhad et.al, 2013) و بهزیستی فاعلی؛ (Taheri et.al, 2013) می‌باشد، برخی پژوهش‌ها نشان‌دهنده رابطه منفی آن دو (Waterman, 2007) می‌باشد.

با توجه به این‌که در پژوهش‌های گذشته هویت و بهزیستی، کم‌تر به تمایز بعد لذت‌گرایی و فضیلت طلبی آن توجه شده است، در این پژوهش این افتراق با استفاده از مدل کیز مورد توجه قرار گرفته است. در واقع، هدف از این پژوهش آزمون الگوی فرضی طراحی شده در این پژوهش (شکل 1)، جهت تعیین میزات تاثیر متغیر پیش بین برون‌زای سبک‌های هویت بر متغیرهای ملاک درون‌زای بهزیستی لذت‌گرایانه و فضیلت‌طلبانه با نقش واسطه‌ای تعهد می‌باشد.



شکل ۱- مدل مفروض رابطه سبک های هویت با بهزیستی فضیلت طلبانه و لذت طلبانه با نقش واسطه ای تعهد (خطوط نقطه چین نشان دهنده رابطه منفی است).

بر این اساس فرضیه های پژوهش به شرح زیر می باشند:

- 1- سبک هویت داده ای به گونه مستقیم و نیز بواسطه تعهد با بهزیستی لذت گرایانه و فضیلت طلبانه رابطه مثبت دارد.
- 2- سبک هویت هنجاری بطور مستقیم و نیز بواسطه تعهد با بهزیستی لذت گرایانه و فضیلت طلبانه رابطه مثبت دارد.
- 3- سبک هویت سردرگم/اجتنابی با تعهد، بهزیستی لذت گرایانه و فضیلت طلبانه رابطه مستقیم منفی دارد.

روش پژوهش

پژوهش از نوع غیرآزمایشی با روش همبستگی و جامعه آماری شامل دانشجویان مقطع کارشناسی پردیس مرکزی و کارگر شمالی دانشگاه تهران در سال تحصیلی 91-92 است. تعداد نمونه 320 دانشجو (193 دختر، 125 پسر و 2 نفر با جنسیت اعلام نشده) بودند که با روش نمونه گیری تصادفی مرحله ای خوشه ای انتخاب شدند. پس از حضور در کلاس درس و توضیحات لازم، پرسش نامه ها در اختیار آنان قرار گرفت. جدول 1 داده های جمعیت شناختی نمونه مورد مطالعه را بر حسب جنسیت نشان می دهد. همان گونه که مشاهده می شود، 60/3 درصد از شرکت کنندگان زن و 39/1 درصد مرد بودند. 6 درصد از شرکت کنندگان جنسیت خود را مشخص نکردند.

جدول 1- توزیع فراوانی گروه نمونه به تفکیک جنسیت.

جنسیت	فراوانی	درصد
زن	193	60/3
مرد	125	39/1
بدون پاسخ	2	0/6
جمع	320	100

ابزار پژوهش

بمنظور گرد آوری داده‌ها در مورد موضوع پژوهش دو پرسش‌نامه سبک‌های هویت و مقیاس بهزیستی کیز (برای سنجش بهزیستی لذت‌گرایانه و فضیلت‌طلبانه) مورد استفاده قرار گرفت.

پرسش‌نامه سبک هویت (ISI-4): این پرسش‌نامه به وسیله فیلیپس و همکاران (Philips and Pitman, 2007) برای سنجش سبک‌های هویت و تعهد هویت ساخته شده است و دارای 33 گویه است که در مقیاس 5 درجه‌ای لیکرت از کاملاً در مورد من صدق می‌کند تا اصلاً در مورد من صدق نمی‌کند، نمره گذاری می‌شود. ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه در ایران به وسیله رحیمی نژاد و همکاران (2010) بررسی شد که آن‌ها ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم/اجتنابی و تعهد هویت به ترتیب 75/، 61/، 71/، و 84/ گزارش کردند. ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش برای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم/اجتنابی و تعهد هویت به ترتیب 78/، 65/، 75/، و 84/ بدست آمده است.

مقیاس بهزیستی کیز: در این پژوهش، مقیاس کیز که به وسیله جوشن لو، رستمی و نصرت‌آبادی (Joshanloo, Rostami and Nosratabadi, 2006) ترجمه شده بکار برده شد. دو مقیاس عواطف مثبت و رضایت از زندگی برای سنجش بهزیستی فاعلی (بهزیستی لذت‌گرایانه) و دو مقیاس بهزیستی روان‌شناختی و بهزیستی اجتماعی، بهزیستی فضیلت‌طلبانه را سنجیدند.

مقیاس عواطف مثبت: مقیاس عواطف مثبت با ارایه فهرستی از شش نشانه عاطفه مثبت در قالب شش پرسش (1-شادی 2-سرحال بودن 3-خوشحالی مفرط 4-آرامش و آسودگی 5-رضایت‌مندی 6-سرزندگی) از پاسخ‌دهندگان می‌خواهد تا با انتخاب یکی از اعداد 1 تا 5 به گونه‌ای که 1 همیشه و 5 هرگز، مشخص کنند که هر یک از شش نشانه فهرست شده را در طول 30 روز گذشته به چه مقدار تجربه کرده‌اند. جوشن لو و همکاران (1385) برای این مقیاس ضریب آلفای 85/ را گزارش دادند. مقدار آلفای کرونباخ مقیاس عواطف مثبت در این پژوهش 86/ می‌باشد.

رضایت از زندگی: مقیاس رضایت‌مندی از زندگی با یک پرسش از پاسخ دهندگان می‌خواهد تا با انتخاب یکی از اعداد 0 تا 10 (0= اصلاً راضی نیستم و 10= خیلی راضی هستم) مشخص کنند که این روزها روی هم رفته چقدر از وضع زندگی خود راضی هستند.

بهزیستی روان‌شناختی: برای بررسی بهزیستی روان‌شناختی، از مقیاس 18 پرسشی نسخه بهزیستی روان‌شناختی ریف استفاده شد (Ryff and Keyes, 1995). این مقیاس 6 جنبه بهزیستی روان‌شناختی ریف را می‌سنجد که عبارتند از: پذیرش خود، رشد فردی، هدف در زندگی، ارتباط مثبت با دیگران، تسلط بر محیط و خود مختاری. پرسش‌ها روی یک مقیاس 7 درجه ای از کاملاً مخالف (1) تا کاملاً موافق (7) قرار می‌گیرند. مجموع نمره‌های هر 18 پرسش، نمره کل این مقیاس در نظر گرفته می‌شود. جوشن لو و همکاران (joshanloo et.al, 2006) ضریب آلفای زیر مقیاس های آن را بین 43/ تا 60/ گزارش دادند. آلفای محاسبه شده برای این مقیاس، در پژوهش حاضر 84/ می‌باشد.

بهزیستی اجتماعی: از مقیاس 15 پرسشی بهزیستی اجتماعی کیز (Keyes, 2006) استفاده می‌شود. پاسخ دهندگان باید بر روی طیفی از 1 تا 7 از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف مشخص کنند که هر پرسش تا چه حد آن‌ها را توصیف می‌کند. این پرسش‌ها 5 جنبه بهزیستی اجتماعی کیز را می‌سنجد: پیوستگی، یکپارچگی، پذیرش، تشریک مساعی و شکوفایی. نمره این مقیاس از مجموع نمره‌های هر 5 خرده مقیاس بدست می‌آید. جوشن لو، رستمی و نصرت آبادی برای زیر مقیاس‌های آن ضریب آلفای 59/ تا 76/ را گزارش دادند. آلفای محاسبه شده در این پژوهش برای این مقیاس 84/ می‌باشد.

یافته‌ها

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

ابتدا شاخص‌های و سپس آماره‌های استنباطی گزارش شده است. شاخص‌های توصیفی شامل شاخص‌های گرانش مرکزی و شاخص‌های تغییرات مربوط به متغیرهای مورد سنجش در جدول 2 ارائه شده است.

جدول 2- شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش.

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	کجی	کشیدگی
بهزیستی لذت گرایانه	24/89	6/53	6	40	-0/25	-0/25
بهزیستی فضیلت گرایانه	150/63	28/16	70	227	-0/05	0/07
تعهد	33/28	6/61	11	45	-0/55	0/27
سبک اطلاعاتی	26/63	4/66	11	35	-0/52	0/15
سبک هنجاری	11/82	3/33	4	20	-0/15	-0/13
سبک سردرگم	19/97	5/57	8	38	0/32	0/12

تعداد نمونه = 320

میانگین، انحراف استاندارد، کمینه و بیشینه نمرات هر متغیر در جدول قابل مشاهده است. شاخص‌های کجی و کشیدگی در جدول فوق نشان می‌دهند که توزیع هیچ یک از متغیرها خارج از حالت نرمال نیست.

همبستگی متقابل بین متغیرهای پژوهش به روش گشتاوری پیرسون محاسبه شد. نتایج به شکل ماتریس همبستگی در جدول 3 نمایش داده شده‌اند.

جدول 3- ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش.

متغیرها	1	2	3	4	5
1- بهزیستی لذت گرایانه					
2- بهزیستی فضیلت طلبانه	0/59**				
3- تعهد	0/43**	0/61**			
4- سبک اطلاعاتی	0/26**	0/45**	0/55**		
5- سبک هنجاری	0/26**	0/16**	0/25**	0/27**	
6- سبک سردرگم	-0/22**	-0/52**	-0/52**	-0/35**	-0/14*

* : $P < 0/05$ ، ** : $P < 0/01$

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بهزیستی لذت گرایانه با تعهد ($R=0/43$, $P < 0/01$)، سبک داده‌ای ($R=0/26$, $P < 0/01$) و سبک هنجاری ($R=0/26$, $P < 0/01$) رابطه مثبت و معنادار داشت. بهزیستی فضیلت طلبانه نیز طبق الگوی مشابه، با تعهد ($R=0/61$, $P < 0/01$)، سبک اطلاعاتی ($R=0/45$, $P < 0/01$) و سبک هنجاری ($R=0/16$, $P < 0/01$) رابطه مثبت و معنادار داشت. سبک سردرگم با بهزیستی لذت گرایانه ($R=-0/22$, $P < 0/01$) و بهزیستی فضیلت طلبانه ($P < 0/01$)، رابطه منفی و معنادار داشت. رابطه تعهد با سبک اطلاعاتی ($R=0/55$, $P < 0/01$) و

سبک هنجاری ($R=0/25$, $P<0/01$) مثبت و معنادار بود. تعهد با سبک سردرگم ($P<0/01$), $R=-0/52$ رابطه منفی معنادار داشت.

بمنظور آزمون مدل های مفروض با داده ها و نیز برآورد ضرایب اثر مستقیم، غیر مستقیم و کل برای هر مدل، از روش تحلیل مسیر با روش بیشینه احتمال استفاده شد. نرم افزار ایموس¹ 18 (Arbuckle, 2009) برای برآورد ضرایب اثر و شاخص های برازش مدل بکار گرفته شد. پیش از اجرا و تفسیر تحلیل مسیر مفروضه های این تحلیل بررسی شدند. همان گونه که در بخش شاخص های توصیفی اشاره شد، توزیع تمامی متغیرها نزدیک به نرمال بود، بنابراین، مفروضه نرمال بودن توزیع داده ها رعایت شده است (Hooman, 2009). حجم نمونه کافی به عنوان یکی از موردهای مهم در مدلیابی مورد توجه قرار گرفت. بنتلر و چو (Hooman, 2009) بیان می کنند که به شرط نرمال بودن توزیع متغیرها و نبود داده های پرت و موردهای گم شده، حجم گروه نمونه را می توان تا 5 مورد برای هر یک از متغیرهای مشاهده شده کاهش داد. خطی بودن روابط بین متغیرها نیز به عنوان یکی از پیش فرض های مدل های رگرسیونی مورد توجه قرار گرفت. نمودار همبستگی دو به دویی تمامی متغیرها به شکل بیضی بود و این نشان دهنده وجود رابطه خطی است. هم چنین، بین متغیرهای پیش بین رابطه نیز خطی چندگانه وجود نداشت؛ همان گونه که در بخشی تحلیل های همبستگی مشاهده شد، همبستگی های بین متغیرهای پیش بین کم تر از 0/7 بود.

مدل مفروض بر پایه این فرض ایجاد شد که تعهد در رابطه بین سبک داده ای، هنجاری و سردرگم با بهزیستی لذت گرایانه و بهزیستی فضیلت طلبانه، نقش واسطه ای دارد. شاخص های برازش مدل را می توان در جدول 4 مشاهده کرد.

جدول 4- شاخص های برازش مدل پیش و پس از اصلاح.

مدل ها	RMSEA	AGFI	GFI	CFI	X ² /df	Df	P	X ²
مدل اولیه	0/29	0/49	0/92	0/86	28/65	3	P<0/01	85/95
مدل اصلاح شده	0/02	0/98	0/99	0/99	1/18	2	P>0/05	2/23

ردیف نخست شاخص های برازش مدل مفهومی بدون تغییر را نشان می دهد. در حالی که در مدل دوم (ردیف پس از اصلاح) مسیر کوواریانس خطای بهزیستی لذت گرایانه و بهزیستی فضیلت طلبانه آزاد شد. شاخص های برازش مدل مسیر شامل مربع کای ($X^2=2/23$, $P>0/05$)، نسبت مربع

¹ -Amos 18

کای به درجه آزادی (X^2/df)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص تعدیل یافته برازندگی (AGFI) و ریشه دوم برآورد تغییرات خطای تقریب (RMSEA) در حد مطلوب هستند. بر اساس این شاخص‌ها می‌توان نتیجه گرفت که مدل مفروض برازش بسیار خوبی با داده‌ها دارد (Hooman, 2009).

در جدول 5 ضرایب استاندارد شده مستقیم، غیر مستقیم و کل مدل مسیر به همراه ضریب تبیین مربوط به هر متغیر درون‌زا نمایش داده شده است.

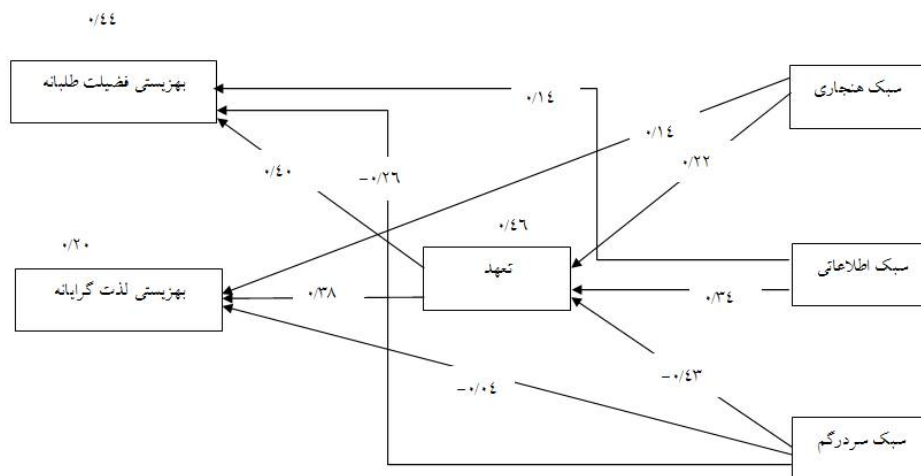
جدول 5 - ضرایب استاندارد مستقیم، غیر مستقیم و کل مدل مسیر و ضرایب تبیین.

ضریب تبیین	اثر کل	اثر غیر مستقیم	اثر مستقیم	مسیرها
.44				بر روی بهزیستی فضیلت طلبانه از:
	0/40**	-	0/40**	تعهد
	0/27**	0/13**	0/14**	سبک اطلاعاتی
	0/09**	0/09**	-	سبک هنجاری
	-0/43**	-0/17**	-0/26**	سبک سردرگم
.20				بر روی بهزیستی لذت گرایانه از:
	0/38**	-	0/38**	تعهد
	0/13**	0/13**	-	سبک اطلاعاتی
	0/22**	0/08**	0/14**	سبک هنجاری
	-0/20**	-0/16**	-0/04	سبک سردرگم
.46				بر روی تعهد از:
	0/34**	-	0/34**	سبک اطلاعاتی
	0/22**	-	0/22**	سبک هنجاری
	-0/43**	-	-0/43**	سبک سردرگم

** : $P < 0/01$

بر اساس یافته‌ها بهزیستی فضیلت طلبانه ($R^2 = 44\%$)، بهزیستی لذت گرایانه ($R^2 = 20\%$) و تعهد ($R^2 = 46\%$) به وسیله متغیرهای درون مدل تبیین شدند. بهزیستی فضیلت طلبانه به گونه مستقیم از تعهد (ضریب تاثیر = 0/40) و سبک داده‌ای (ضریب تاثیر = 0/14) اثر مثبت و از سبک سردرگم (ضریب تاثیر = -0/26) اثر منفی پذیرفت. بهزیستی فضیلت طلبانه هم‌چنین، به گونه غیر مستقیم

تحت تاثیر سبک‌های اطلاعاتی (ضریب تاثیر = 0/13)، هنجاری (ضریب تاثیر = 0/09) و سردرگم (ضریب تاثیر = -0/17) قرار گرفت. اثر مستقیم تعهد (ضریب تاثیر = 0/38) و سبک هنجاری (ضریب تاثیر = 0/14) بر بهزیستی لذت گرایانه قابل توجه بود. اثر مستقیم سبک سردرگم بر بهزیستی لذت گرایانه (ضریب تاثیر = -0/04) به لحاظ آماری معنادار نبود. بهزیستی لذت گرایانه نیز به گونه غیر مستقیم تحت تاثیر سبک‌های اطلاعاتی (ضریب تاثیر = 0/13)، هنجاری (ضریب تاثیر = 0/08) و سردرگم (ضریب تاثیر = -0/16) بود. شکل 2 نمودار مسیر مدل برازش یافته سوم با ضرایب استاندارد شده را نشان می‌دهد.



شکل 2- نمودار مسیر مدل برازش یافته با ضرایب استاندارد شده.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه نخست: سبک هویت داده‌ای بر بهزیستی لذت گرایانه دارای ضریب تاثیر مستقیم نیست که با پژوهش واترمن (Waterman, 2007)، هافر و همکاران (Hofer et. al 2007) و طاهری و همکاران (Taheri et.al, 2013) نا همسو می‌باشد. از آنجایی که همبستگی صفر مرتبه این دو متغیر در این پژوهش نیز به لحاظ آماری معنی دار شده است، می‌توان گفت از دلایل احتمالی این تفاوت روش‌های آماری گوناگون است. هم‌چنین، شاید بتوان گفت تردیدهای پیش از دست‌یابی به تعهد و نیز روحیه جستجو و کاوشگری افراد دارای این سبک مخل لذت در آنان باشد.

سبک هویت داده‌ای بر بهزیستی فضیلت‌طلبانه دارای ضریب تاثیر مستقیم و معنی‌دار می‌باشد که هماهنگ با نتایج پژوهش واترمن (Waterman, 2007) و شوارتز و همکاران (Schwartz et.al

است. افراد با سبک اطلاعاتی در مشاهده خود، دیرباور و انعکاسی و علاقمند به یادگیری چیزهای جدید درباره خود هستند. هم‌چنین، دارای بصیرت نسبت به خود، تفکر باز، تصمیم‌گیری هوشیارانه، پیچیدگی شناختی و خود تنظیمی انطباقی می‌باشند (Berzonsky forthcoming, 2011) که این ویژگی‌ها به نوعی مستلزم اندیشیدن و تامل و منطبق با نظر ارسطو است که بیان می‌کند در پیگیری زندگی عالی فضیلت طلبانه، فرد به گونه مداوم درگیر اندیشه و تامل در مورد کارها و هدف‌هایش است (Ryan et.al, 2008).

ضریب تاثیر سبک داده‌ای بر تعهد و ضریب تاثیر تعهد بر بهزیستی لذت‌گرایانه معنادار است. هم‌چنین، ضریب تاثیر بدست آمده نشان دهنده تاثیر معنادار سبک هویت داده‌ای بر تعهد و تعهد بر بهزیستی فضیلت‌طلبانه است. بنابراین، نقش واسطه‌ای تعهد در رابطه سبک هویت داده‌ای، بهزیستی لذت‌گرایانه و فضیلت طلبانه تایید می‌شود. نتیجه بدست آمده همسو با نتیجه پژوهش برزونسکی (Berzonsky, 2003) و رضائیان و سرندی (Rezaeian & Sarandii 2010) است که به ترتیب نقش واسطه‌ای تعهد در رابطه سبک هویت داده‌ای و بهزیستی و بهزیستی روان‌شناختی را مورد تایید قرار دادند. با توجه به نتیجه بدست آمده به نظر می‌رسد بتوان گفت سبک هویت داده‌ای به تنهایی و پیش از رسیدن به تعهد منجر به لذت نمی‌شود و تعهد بالاتر به عنوان یکی از فرایندهای هویت‌بابی به سطح شادکامی بیش‌تر منجر می‌شود. براساس پژوهش‌های برزونسکی (Berzonsky, 2003) تعهد ممکن است به شیوه‌های گوناگون عملکرد و بهزیستی افراد را تحت تاثیر قرار دهد. برای مثال، کسانی که دارای یک دیدگاه ثابت و روشن درباره خود و دنیایی که در آن زندگی می‌کنند، نیستند، امکان دارد دنیا را به صورت مجموعه‌ای پر از هرج و مرج، پیش بینی ناپذیر و کنترل ناپذیر ببینند. هم‌چنین، تعهد به هدف و استانداردهای فردی روشن ممکن است در چگونگی انطباق فردی موثر و در تنظیم رفتارهای فردی دخیل باشد.

فرضیه 2: سبک هنجاری دارای ضریب تاثیر معنادار بر بهزیستی لذت‌گرایانه است که با پژوهش واترمن (Waterman, 2007) ناهمسو و با نتایج پژوهش شوارتز و همکاران (Schwartz et.al, 2011) و طاهری و همکاران (Taheri et.al, 2013) همسو می‌باشد. شاید بتوان گفت از آنجایی که افراد دارای این سبک در تصمیم‌گیری و باورها با خواسته‌ها و دستوره‌های افراد متنفذ و گروه‌های مرجع خود را تطبیق می‌دهند (Berzonsky, 2003) از تایید آن‌ها برخوردارند و از این نظر احساس رضایت می‌کنند.

سبک هویت هنجاری بر بهزیستی فضیلت‌طلبانه دارای ضریب تاثیر مستقیم نیست که با پژوهش واترمن (Waterman, 2007) همسو می‌باشد. بهزیستی فضیلت‌طلبانه مستلزم شناسایی بهترین پتانسیل‌های خود و تلاش برای رسیدن به هدف‌ها بر اساس این توانمندی‌هاست

(Waterman, 2007)، در صورتی که افراد سبک هویت هنجاری هدفها و استانداردهای ساختارشناختی بسته و سبک هویت عاریتی دارند (Duries & Soenens, 2006; quoted by Berzonsky et.al, 2011). بنابراین، احتمال دارد تصمیم‌گیری و نظرهای گروه مرجع با توانمندی‌ها، استعدادها و تمایل‌های افراد این سبک ناهماهنگ و در نتیجه، مانع خودشکوفایی آنان شود.

ضریب تاثیر سبک هنجاری بر تعهد و ضریب تاثیر تعهد بر بهزیستی لذت گرایانه مستقیم و معنادار است. هم‌چنین، ضریب تاثیر بدست آمده نشان دهنده تاثیر معنادار سبک هویت هنجاری بر تعهد و تعهد بر بهزیستی فضیلت طلبانه است. بنابراین، نقش واسطه ای تعهد در رابطه سبک هویت هنجاری و بهزیستی لذت گرایانه و فضیلت طلبانه تایید می‌شود. نتیجه بدست آمده همسو با نتیجه پژوهش برزونسکی (Berzonsky, 2003) و رضائیان و سرندی (Rezaeian & Sarandii, 2010) است که به ترتیب نقش واسطه ای تعهد در رابطه سبک هویت هنجاری و بهزیستی روان‌شناختی را مورد تایید قرار دادند. از آنجایی که تعهد موجب ثبات رفتار فرد در شرایطی که وی سعی دارد به گونه ای دیگر عمل کند، می‌شود و موجب ایجاد یک چارچوب مرجع جهت دار و هدفمند می‌گردد، چارچوبی که رفتار و بازخوردهای آن در درون آن چارچوب بازبینی، ارزیابی و تنظیم می‌شوند (Berzonsky, 2003). بنابراین، می‌توان گفت هرچه مقدار تعهد در افراد بیش‌تر باشد، سلامت روانی بیش‌تری را تجربه خواهند کرد.

فرضیه سوم: سبک سردرگم بر بهزیستی لذت گرایانه دارای ضریب تاثیر مستقیم و معنادار نیست که با پژوهش واترمن (Waterman, 2007)؛ شوارتز و همکاران (Schwartz et.al, 2011) و طاهری و همکاران (Taheri et.al, 2013) ناهمسو می‌باشد. با توجه به همبستگی صفر مرتبه این دو متغیر علت احتمالی این ناهمسوایی را می‌توان در تفاوت روش‌های آماری بکار رفته یافت.

سبک سردرگم/ اجتنابی بر تعهد همسو با مطالعات رضائیان و سرندی (Rezaeian & Sarandi, 2010)؛ ولیوراس و بوسما (Vleioras & Bosma 2005)؛ واترمن (Waterman, 2007) و بوش و کارد (Bosch & Card 2012) و بهزیستی فضیلت طلبانه همسو با نتایج پژوهش واترمن، (Waterman, 2007)؛ شوارتز و همکاران، (Schwartz et.al, 2011) دارای ضریب تاثیر منفی و معنادار می‌باشد. روی هم رفته، می‌توان چنین گفت با توجه به این‌که سلامت روان به راهبردهای شناختی و رفتاری که افراد بکار می‌برند، وابسته است، راهبردهایی که افراد سبک سردرگم/ اجتنابی بکار می‌برند منجر به رابطه منفی با بهزیستی می‌شود. رابطه منفی این سبک هویت با بهزیستی با فقدان جهت‌گیری در زندگی فرد مرتبط است. از سویی عدم وجود تعهدات هویت روشن موجب سرگردانی فرد درباره این‌که در حال حاضر چه کاری انجام می‌دهد شده و در نداشتن

تلاش برای حل این تردید، ممکن است آن‌ها امیدی به بهبود آینده نداشته باشند. چنین وضعیتی احتمال بروز بهزیستی در هر یک از اشکال آن را کاهش می‌دهد.

جمع‌بندی

روی هم رفته، دو سبک اطلاعاتی و هنجاری دارای ضریب تاثیر مستقیم و معنی دار و سبک سردرگم، ضریب تاثیر مستقیم، منفی و معنی داری بر متغیر تعهد داشت. تعهد نیز بر هر دو متغیر ملاک بهزیستی ضریب تاثیر مستقیم و معنی دار نشان داد. با وجود این‌که سبک هنجاری بر بهزیستی فضیلت طلبانه و سبک داده‌ای بر بهزیستی لذت‌گرایانه دارای ضریب تاثیر مستقیم و معنی داری نبودند، بواسطه تعهد بر این دو متغیر ضریب تاثیر غیرمستقیم و مثبتی را نشان دادند. در مجموع، می‌توان گفت در مقایسه با بهزیستی لذت‌گرایانه (20 درصد) مدل حاضر توانسته است بهزیستی فضیلت طلبانه (44 درصد) را بهتر تبیین کند.

References

- Arbuckle, J.L. (2009). Amos 18. Crawfordville, FL: Amos Development Corporation.
- Beaumont, S. I. (2009). Identity processing and personal wisdom: an information - oriented identity style predicts self -actualization and self transcendence. *An international Journal of theory and research*, 9(2), 95-115.
- Berzonsky, M. D. (2003). Identity Style and Well-Being: Does Commitment Matter? *Identity: An international journal of theory and research*, 3(2), 131-142.
- Berzonsky, M. D., Cieciuch, J., Duriez, B., & Soenens, B. (2011). The how and what of identity formation: Associations between identity styles and value orientations. *Personality and Individual Differences*, 50, 295-299.
- Bosch, L. A., & Card, N. A. (2012). A meta_analytic review of berzonskys identity style inventory (ISI). *journal adolescence*, 35, 333-343.
- Diener, E., Suh, E., & Oishi, S. (1998). Recent studies on subjective well-being. *indian journal of clinical psychology*, 24, 25-41.
- Diener, E., Lucas, R., & Oishi, S. (2002). Subjective well-being: The science of happiness and life satisfaction. In C. R. Snyder & S. J. Lopez (Eds.), *The handbook of positive psychology*, (pp. 63-73). New York: Oxford University Press.
- Joshanloo, M., Rostami, R., & Nosratabadi, M. (1385). Study of the comprehensive well-being scale factor. *Journal of Developmental psychology (Iranian Psychological)*, 9, 35-52.
- Joshanloo, M., & Rasteghar, p. (1386). Five-lane main character and self-esteem as predictors of virtue-oriented. *Journal of Iranian Psychologists*, 4, (82), 13-24.

- Hofer, J., Kartner, J., Chasiotis, A., & Busch, H. (2007). Socio-cultural aspects of identity formation between commitment and well-being in student sample from cameroon and germany. *Identity: An international journal of theory and research*, 7, 265-288.
- Huta, V., & Ryan, R. M. (2010). Pursuing Pleasure or Virtue: The Differential and Overlapping Well-Being Benefits of Hedonic and Eudaimonic Motives. *J Happiness Stud*, 11, 735-762.
- Huta, V., & Waterman, A. S. (2014). Eudaimonia and its distinction from hedonia: Developing a classification and terminology for understanding conceptual and operational definitions. *Journal of Happiness Studies*, 15(6), 1425-1456.
- Hooman, H. (1388). Structural equation modeling using LISREL software. Tehran, Samt.
- Keyes, C. L. M. (1998). Social well-being. *Social psychology quarterly*, 121-140.
- Keyes, C. L. M. (2002). The Mental Health Continuum: From Languishing to Flourishing in Life. *Journal of Health and Social Research*, 43, 207-222.
- Keyes, C. L. M. (2006). Subjective well-being in mental health and development research worldwide: An introduction. *Social Indicators Research*, 77, 1-10.
- Keyes, C. L. M., Fredrickson, B. L., & Park, N. (2012). Positive Psychology and the Quality of Life. *Handbook of Social Indicators and Quality of Life Research*.
- Kimiecik, J. (2011). Exploring the Promise of Eudaimonic Well-Being Within the Practice of Health Promotion: The ‘How’ is as Important as the ‘What’. *J happiness Stud*, 12:769-792.
- McMahan, E. A., & Estes, D. (2011). Hedonic Versus Eudaimonic Conceptions of Well-being: Evidence of Differential Associations with Self-reported Well-being. *Soc Indic Res*, 103:93-108.
- Philips, T.M. & Pittman, J.F. (2007). Adolescent Psychological Well-being by Identity Style. *Journal of adolescence*. 30. 1021-1034
- Rahiminezhad, A., yazdanivarzaneh, M., Amani, H., & Farahani, H. (1389). Investigating the psychometrics characteristics the fourth version of identity styles inventory (ISI-4). *Journal Psychological Science*, 9, (36), 405-416.
- Rahiminezhad, A., Rostami, R., Seyahposh, s., & Akbarizaradkhaneh, s. (1392). The relationship between identity and psychological well-being. *Quarterly psychological research applications*, 4(1), 103-116.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2001). On happiness and human potential: a review research on hedonic and eudaimonic well-being. *Annual review of psychology*, 52, 141-160.

- Rezaeian, M. Sarandii, P. (2011). Determine the relationship between identity styles and role of identity commitment and the psychological well-being in secondary school students in Tabriz , *Journal of Education* , 3 (11) : 79-92 .
- Ryan, R. M., Huta, V., & Deci, E. L. (2008). Living well: a self-determination theory perspective on eudaimonia. *Journal of Happiness Studies*, 9,139–170.
- Schwartz, S. J., Beyers, W., Luyckx. K., Soenens. B., Zamboanga, B. L., Forthun. L. F., Hardy,S. A., Vazsonyi. A. T., Ham. L. S., Kim, S. Y., Whitbourne, S. Krauss., & Waterman, A. S. (2011). Examining the Light and Dark Sides of Emerging Adults' Identity: A Study of Identity Status Differences in Positive and Negative Psychosocial Functioning. *J Youth Adolescence*, 40(7), 839-859.
- Tahari, M., Yaryari, F., Sarami, G., & Adibmanesh, M. (1392). The relationship between identity styles, happiness and psychological well-being university students. *Knowledge and Research in Applied Psychology*, 14(1), 72-82.
- Vleioras, G., & Bosma, H. A. (2005). Are identity styles important for psychological well-being? *Journal of Adolescence Research*, 28, 397-409.
- Vittersø, J., Oelmann, H. I., & Wang, A. L. (2009). Life satisfaction is not a balanced estimator of the good life. Evidence from reaction time measures and self-reported emotions. *Journal of Happiness Studies*, 10, 1–17.
- Waterman, A. S. (1993). Two conceptions of happiness: Contrasts of personal expressiveness (eudaimonia) and hedonic enjoyment. *Journal of personality and social psychology*, 64(4), 678.
- Waterman, A. S. (2007). Doing Well: The Relationship of Identity Status to Three Conceptions of Well-Being. *Identity: an international journal of theory and research*, 7(4), 289-307.

